

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۴، صفحات ۳۶-۷

بررسی وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی (۱۳۸۱-۱۳۹۱)

محمد حسن فطرس

استاد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

fotros@basu.ac.ir

فاطمه شهبازی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان

h_shahbaizi65@yahoo.com

فقر و نابرابری، به عنوان آسیب‌های اجتماعی، چنانچه کترول و محدود نشوند، می‌توانند منجر به آسیب‌های گسترده‌ای در سطوح خانوار و جامعه شوند، به نحوی که حیات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی جامعه را مورد تهدید قرار دهند. در این پژوهش با استفاده از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، مقایسه شده است. نتایج محاسبات دلالت بر آن دارد که فقر و نابرابری درآمدی همواره در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۸ (میزان فقر و نابرابری درآمدی در ایران بالا و با نوساناتی همراه بوده است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ فقر و نابرابری درآمدی همچنان بالاست، اما نسبت به سال ۱۳۸۹ (سال اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش را نشان می‌دهد. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ ۱۳ شخص سرشمار فقر در مناطق شهری به ترتیب $0/3784$ و $0/4022$ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان $0/0371$ و $0/0133$ کاهش داشته است. همچنین شخص سرشمار فقر در مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب $0/3802$ و $0/4071$ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان $0/0446$ و $0/0227$ کاهش داشته است.

طبقه‌بندی JEL : I30, I31, I32, H20, H29

واژه‌های کلیدی: فقر، نابرابری، هدفمندسازی یارانه‌های نقدی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲



۱. مقدمه

یکی از مباحث مطرح در اقتصاد، وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. امروزه اکثر کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف از نابرابری شدیدی که ناشی از الگوی توزیع ثروت و درآمد است، رنج می‌برند (Zahedi, ۱۳۹۰). نابرابری درآمدی از واقعیت‌هایی است که همیشه توجه انسان‌ها را به خود جلب می‌کند و این موضوع برای اصلاح طلبان سیاسی و اجتماعی در تمام دنیا اهمیت ویژه‌ای یافته است. قدمت اعتراض و انتقاد نسبت به نابرابری‌های شدید درآمدی، قدمتی به بلندای تاریخ دارد و گاهی این معتبرضان و حکام و دولت‌ها را رو به روی هم قرار داده است. ایجاد مکاتبی مانند سوسیالیسم و کمونیسم که از محورهای اصلی تفکرات آنها، تلاش برای رسیدن به برابری است، نشانه‌هایی از اهمیت برابری و نابرابری در جوامع است (مهربانی، ۱۳۸۵).

در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله فقر و نابرابری مورد توجه گسترده قرار گرفت. به گونه‌ای که اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی مسئله فقر و رفاه افسار آسیب‌پذیر را به صراحت مورد توجه قرار داده‌اند.

به رغم دیدگاه‌های مختلفی که در طول تاریخ درباره علت پیدایش فقر و شیوه رویارویی با آن وجود داشته است، شاید به ندرت بتوان مسئله‌ای مانند آن را یافت که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه بتواند دخالت داشته باشد.

در همین راستا، طی سالیان اخیر، علاوه بر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، اقدامات دیگری در جهت فقرزدایی، طراحی و به اجرا درآمده است. علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه، باید اذعان نمود که ایران در نوع مواجهه و حل این معضل هنوز با چالش‌های بسیاری رو به روست. طی دهه‌های گذشته، ایران با مشکلات اقتصادی مختلفی مواجه بوده است. افزایش تورم، بیکاری، کسری تراز پرداخت‌ها و... در سطح اقتصاد کلان و آثار و

عواقب آن روی فقر و توزیع درآمد در سطح اقتصاد خرد، از جمله مشکلاتی است که توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است. رشد جمعیت، افزایش سطح مصرف در سطح خانوار و فرد، منابع مالی بیشتری را برای انجام تعهدات رفاهی دولت طلب می‌نماید. ازین‌رو، مباحث مربوط به تعديل قیمت‌ها و اصلاحات ساختاری که از دهه‌ی هفتاد شمسی مطرح شده بود، در اواخر دهه هشتاد توجه بیشتری یافت و منجر به تصویب قانون «هدفمندسازی یارانه‌ها»^۱ گردید. موضوع قابل بحث، تصویر وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی در سال‌های پیش و پس از اجرای این سیاست است.

در این راستا، سازمان‌دهی مقاله به این صورت خواهد بود: ابتدا پیشینه تحقیق بیان شده، سپس چارچوب نظری آورده می‌شود، در ادامه روش انجام تحقیق ذکر شده و سپس یافته‌های تحقیق مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ در پایان نیز بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

در این قسمت به برخی مطالعات داخلی و خارجی در زمینه موضوع پژوهش اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱. هدفمندی یارانه‌ها یکی از محورهای هفت گانه طرح تحول اقتصادی است که به تغییر فرایند پرداخت یارانه‌ها می‌انجامد. در این فرایند با حذف تدریجی یارانه‌ها از حامل‌های انرژی، آب و فاضلاب، حمل و نقل عمومی، خدمات پستی، کالاهای اساسی (گندم، برنج، روغن، شیر و شکر)، نوع پرداخت تغییر کرده، بخشی از یارانه‌های حذف شده به صورت نقدی به سپرستان خانوار، بخشی به تولید کنندگان و بخشی نیز به دولت پرداخت می‌شود. این طرح برای اصلاح ساختار نظام پرداخت یارانه‌ها توسط دولت نهم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تدوین و توسط دولت دهم (۱۳۹۲-۱۳۸۸) بخشی از آن اجرایی شد. هدف از اجرای آن، عدالت، مدیریت مصرف، ارتقاء بهره‌وری، رفاه اجتماعی و اشتغال اعلام شده بود.

۱-۲. مطالعات داخلی

محمودی (۲۰۱۱) فقر مطلق را در ایران طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه ۲۰۰۷-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در برنامه دوم توسعه، همه شاخص‌های فقر مطلق (شاخص سرشمار، شکاف فقر و شدت فقر) در مناطق روستایی افزایش و در مناطق شهری کاهش یافته است. در برنامه سوم توسعه، کاهش فراوانی در همه شاخص‌های فقر اتفاق افتاده است. در برنامه چهارم همه شاخص‌های فقر با افزایش مواجه بوده‌اند. در دوره مورد بررسی درصد و شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است.

نجفی‌زاده و حسینی (۱۳۸۸) به بررسی وضعیت توزیع درآمد کشور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۳ به تفکیک مناطق روستایی و شهری پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که در طول دوره مورد بررسی، از نابرابری درآمد در کشور کاسته شده است؛ هرچند این کاهش بسیار کُند است. در ضمن، نتایج نشان می‌دهد که توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری و از نوسان‌های بیشتری برخوردار بوده است.

ragher و ابراهیمی (۱۳۸۷) تغییرات نابرابری در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵ را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که روند نابرابری بر حسب شاخص‌های محاسبه شده در طول دوره بیست و سه ساله مورد بررسی، تغییرات زیادی را داشته، اما به طور کلی، جز دو سال پایانی مورد مطالعه که روند آنها صعودی بوده، در بقیه سال‌ها روند نزولی را طی کرده است.

جواد صالحی اصفهانی و مهدی (۲۰۱۰) با بررسی تحرّک و پویایی فقر در ایران طی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۵ با استفاده از ساختار ترکیبی به این نتیجه رسیده‌اند که فقر در ایران کاهش یافته، اما نابرابری نسبتاً در سطح بالا و پایداری قرار داشته است.

اسلامی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی یارانه و خط فقر»، اثر حذف یارانه کالاهای اساسی را با تأکید بر خط فقر مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در بخش انرژی، طبقات بالای درآمدی و اشاره ژروتمند جامعه از یارانه پرداختی بیشتر بهره‌مند شده‌اند، درحالی که در مورد کالاهایی مثل شیر و نان، سهم بیشتری از یارانه، عاید دهکه‌ای پایین درآمدی و اشاره فقیر جامعه می‌شود. همچنین به دلیل گستردگی و عمق فقر و تعداد افراد زیرخط فقر، امکان افزایش رفاه اجتماعی از طریق پرداخت نقدی یارانه وجود ندارد.

پیرائی و شهسوار (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های مستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران طی سال‌های (۱۳۷۹-۱۳۸۳)» با استفاده از تابع رفاه اجتماعی آتکینسون به این نتیجه رسیده‌اند که در جوامع شهری و روستایی ایران افزایش قیمت اقلام خوراکی به افراد فقیر بیشتر از افراد غیرفقیر آسیب رسانده و پرداخت یارانه به گروه اقلام خوراکی به نفع افراد فقیر بوده است. درحالی که افزایش قیمت در گروه‌هایی نظیر بهداشت و درمان، حمل و نقل، ارتباطات، تحصیل و آموزش، به افراد غیرفقیر بیشتر از افراد فقیر آسیب رسانده است.

دادگر و نظری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی «خود رگرسیون برداری» بر اساس داده‌های سری زمانی (۱۳۵۳-۱۳۹۱) به این نتیجه رسیده‌اند که ضریب جینی در ایران در دوره مورد مطالعه حول ۰/۳۵-۰/۵۵ بوده که نشان می‌دهد توزیع درآمد در ایران نعادلانه است. همچنین در شرایط تورم رکودی، تداوم بحران اقتصادی، نبود زیرساخت‌های لازم، نداشتن مدل اقتصادی و موارد مشابه، هدفمندی یارانه‌ها وضعیت توزیع درآمد را نه تنها بهبود نخواهد بخشید، بلکه حتی باعث می‌شود که طبقات محروم جامعه را تحت فشار قرار دهد و منجر به بدتر شدن وضعیت رفاهی آنها شود.

۲-۲. مطالعات خارجی

راوالیون و چن (۲۰۰۷) در تحقیقی فقر مطلق را برای یک‌صد کشور در حال توسعه در دوره (۱۹۸۱-۲۰۰۴) برآورد کردند. در این برآورد، از خط فقر بین‌المللی (درآمد روزانه یک دلار) استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در طول سال‌های مورد بررسی، درصد فقرا به صورت معناداری کاهش پیداکرده ولی در زمینه کاهش تعداد فقرا دستاوردهای محسوسی نداشته است. اگرچه در چین وضعیت متفاوت بوده؛ یعنی تعداد فقرا نیز کاهش پیدا کرده‌اند.

ویو و پرلووف (۲۰۰۵) وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی - شهری چین را از سال (۱۹۸۵-۲۰۰۱) بررسی کرده‌اند؛ نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که افزایش نابرابری در داخل مناطق روستایی و شهری و رشد شکاف درآمدی روستایی - شهری موجب رشد کلی نابرابری در طی دو دهه گذشته شده است.

پیکتی و سیز (۲۰۰۳) در مقاله خود با استفاده از سری داده‌های همگن درآمد، نابرابری درآمدی در ایالات متحده طی سال‌های (۱۹۹۸-۱۹۱۳) را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سهم دهک‌های بالا بعد از جنگ جهانی دوم افزایش یافته و این شوک تا سال‌ها ادامه داشته است؛ اما در سال‌های اخیر، مقداری کاهش یافته و روندی نسبتاً نزولی به خود گرفته است.

فرانسیس گاردس (۲۰۱۰) با استفاده از ساختار شبکه‌تر کیبی، فقر، نابرابری و تحرک درآمدی را در اکوادور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فقر در اکوادور کاهش یافته، اما نابرابری در طول دهه‌های گذشته تغییرات معناداری نداشته است. طی سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۰۰) ۲۰ درصد از ثروتمندترین افراد جامعه بیش از ۵۰ درصد از درآمد کل را در اختیار داشتند، در حالی که بیشترین سهم ۲۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه، ۴ درصد از

درآمد کل بود. این امر نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین مانع برای غلبه بر فقر، توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و منابع است. از طرفی با وجود کاهش نرخ فقر، در سال‌های (۲۰۰۹-۲۰۰۰) تفاوت زیادی بین مناطق روستایی و شهری وجود داشت. مناطق روستایی فقیر‌تر بودند و نرخ فقر و نابرابری بالا بود.

اریف و فاروک (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «کاهش فقر در پاکستان؛ درس‌هایی از تجربه چین» به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداخته‌اند (ن.ک.ب. ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲). در این مقاله ابتدا موفقیت چین در کاهش فقر بررسی شده، سپس استراتژی دولت پاکستان در این زمینه را تشریح نموده و در نهایت به درس‌هایی که دولت پاکستان می‌تواند از دولت چین ییاموزد، پرداخته است.

این مطالعه به بررسی مکانیزمی پرداخته که چین در سه دهه گذشته، از طریق آن موفق به کاهش چشم‌گیر فقر شده است. دوره‌ای که دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر ناکام بوده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰، نرخ فقر در مناطق روستایی، در چین و پاکستان، حدود ۳۳ درصد بود؛ در طول دوره (۱۹۷۸-۲۰۰۵) هم درصد فقر و هم تعداد فقرا در چین به شدت کاهش یافت، در حالی که در پاکستان فقر همچنان بالا باقی ماند.

گلاسمن و بردسال (۲۰۱۳) در مقاله‌ای طرح پرداخت یارانه کالایی و پرداخت یارانه نقدی در هند را مورد بررسی قرار داده‌اند. پرداخت یارانه نقدی در هند بر پایه برنامه‌ای موسوم به «انتقال مستقیم سود» که شامل پرداخت مستقیم پول نقد از طرف دولت به فقرا است، اجرا شده است. حرکت بهسوی پرداخت مستقیم پول به اشاره ضعیف در حالی صورت گرفت که بحث درباره سیاست عظیم و ناکارآمد یارانه کالایی برای دهه‌های متوالی، محلی برای بحث و مناقشه بوده است. دولت هند، سالانه چیزی حدود ۱۴ میلیارد دلار (معادل یک درصد از تولید ناخالص داخلی) را برای یارانه غذا، کود و نفت صرف می‌کرد، البته نباید از هزینه مربوط به

توزیع این کالاهای یارانه‌ای صرف نظر شود. توزیع این اقلام در مغازه‌ها و مراکز کوچکی صورت می‌پذیرفت که اغلب در مناطق فقرنشین قرار داشتند. علت عدمه انتخاب این نوع سیستم توزیع یارانه‌ها، این بود که بسیاری از هندی‌های فقیر، از کارت شناسایی معتبر یا حساب بانکی فعال یا سواد استفاده از حساب بانکی بی‌بهره بودند. به عقیده نویسنده، عوامل متعددی دست به دست هم دادند تا این برنامه، موفق عمل نکند. قانون‌های گیج‌کننده درباره این که کدام گروه از فقرا باید از یارانه‌ها بهره‌مند شوند و نبود اجماع در مورد این مسأله، در کنار مکانیسم اجرایی ضعیف و در نهایت عامل فساد، همگی دست به دست هم دادند تا این برنامه شکست بخورد. تحقیقات انجام گرفته در این زمینه نشان داد که نه تنها این نحوه پرداخت یارانه‌ها باعث کاهش فقر در هند نشده است، بلکه حدود ۷۰ درصد از افرادی که از این نحوه پرداخت یارانه منتفع می‌شدند، اساساً فقیر نبوده‌اند. نتایج این تحقیقات همچنین نشان داد اگر پولی که برای یارانه کالاهای پرداخت می‌شود، مستقیماً به خود فقرا داده شود، همه آنها می‌توانند با استفاده از این پول از زیر خط فقر خارج شوند.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. مرواری بر ادبیات نظری تحقیق

تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات، مباحث مهم علم اقتصاد را تشکیل می‌دهند. رشد اقتصادی و توزیع درآمد دو موضوع مهمی هستند که همواره توجه اقتصاددانان را به خود جلب نموده‌اند. اولین مطالعه تجربی درباره ارتباط بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد توسط کوزننس (۱۹۵۵) صورت گرفت وی با استفاده از داده‌های ترکیبی برای سه کشور آمریکا، آلمان و انگلیس به این نتیجه دست یافت که نابرابری درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد سپس هم تراز شده و سرانجام کاهش می‌یابد، پس رابطه بین نابرابری درآمد با درآمد سرانه در طول زمان به شکل ۱۱ واژگون است (ابو نوری، ۱۳۸۶). نابرابری را می‌توان

تفاوت افراد جامعه در دستیابی به منابع اقتصادی تعریف کرد که از عواملی مانند سیاست‌های دولت در توزیع منابع، خصوصیات شخصی مانند جنس و سن افراد، سطح آموزش و بهداشت جامعه تأثیر می‌پذیرد (فطرس، ۱۳۸۷). بدنبال نابرابری، فقر در جامعه گسترش می‌یابد. مفهوم فقر را می‌توان ناکافی بودن درآمد بیان کرد، البته این بیان تنها فقر اقتصادی را شامل می‌شود (ragfr، ۱۳۸۴). بانک جهانی فقر را محرومیت از سطح رفاه و بهزیستی تعریف می‌کند. آمارتیاسن (۱۹۸۱) معتقد است فقر به معنی نوعی محرومیت از امکانات زندگی است. البته محرومیت خود مفهومی نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت باهم فرق داشته باشد. یارانه یکی از ابزارهای حمایتی دولت‌ها برای حمایت از اقسام آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی است. در تمام نظام‌های اقتصادی موضوع رفاه و تأمین اجتماعی حائز اهمیت بوده و بخشی از هزینه‌های جاری دولت به پرداخت‌های انتقالی برای حمایت از اقسام آسیب‌پذیر اختصاص می‌یابد. در ایران و بیشتر کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه به صورت عام و فراگیر بوده و در بین عموم خانوارها توزیع می‌شود و این امر موجب اختلال در اهداف حمایتی یارانه‌ها شده است، زیرا میزان بهره‌مندی خانوارهای فقیر در مجموع از برنامه‌های حمایتی دولت‌ها کم و بهدلیل قدرت خرید بیشتر خانوارهای ثروتمند، میزان انتفاع آنها از یارانه بیشتر است. در اجرای سیاست‌های هدفمندسازی یارانه شناسایی اقسام آسیب‌پذیر و هدایت منافع حاصل از حذف یارانه‌ها اولین راه حل است. بنابراین مبحث هدفمندسازی بحث قدیمی است که مورد توافق اقتصاددانان و سیاستمداران کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. پرداخت نقدی به صورت کمک در قالب پول نقد به فقرا یا کسانی که در معرض خطر احتمالی بوده و در صورت فقدان پرداخت دچار تنگدستی می‌شوند، است. این سیستم امروزه در بیشتر کشورها مورد استفاده است و به وسیله ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی در حمایت از فقرا و نیازمندان ایفای نقش می‌کند. دولت‌ها در این سیستم

کمک‌های اجتماعی و برنامه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورند و پرداخت‌های بخش خصوصی از طریق خانوارها یا به وسیله شرکت‌ها، صورت می‌پذیرد. البته محدودیت منابع و یا ضعف‌های ساختاری از جمله فقدان دسترسی به اطلاعات کامل و جامع در اجرای آن جزء موانع آن محسوب می‌شود.

۲-۳. مرواری بر تعاریف فقر، شاخص‌های آن و توزیع درآمد

۱-۲-۳. فقر

تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی از فقر وجود دارد. به عنوان مثال؛ تانسند (۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱) تعریفی از فقر ارائه داد که به طور گسترده از آن استفاده شد. افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی زمانی فقیر به حساب می‌آیند که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند (خداداد کاشی، به نقل از آمارتیاسن، ۱۹۸۱). اشاره دارد که کلیه تعاریف در خصوص فقر به‌نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، به صورت‌های مختلف معنا شود. بدین معنی که در یک کشور در حال توسعه، ممکن است فقر به معنی محرومیت از امکاناتی [نظیر غذا، مسکن، دارو] تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است. درحالی که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد (خداداد کاشی، به نقل از تانسند، ۱۹۷۹).

۲-۲-۳. خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در زمان و مکان معین برای دسترسی به یک حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند، غیرفقیر می‌باشند (خداداد کاشی، به نقل از راوالیون، ۱۹۹۸). برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقرا به یک ملاک به‌نام «خط فقر» نیاز

است. این ملاک را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. بعضی حداقل معاش برای ادامه حیات را بحسب انرژی و پروتئین تعریف می‌کنند. ملاحظه می‌شود که خط فقر نیز دارای مفاهیم مختلفی است که انتخاب هر یک در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است؛ زیرا شاخص‌های مبتنی بر این مفاهیم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری از خود نشان می‌دهند. خط فقر مطلق عبارت از مقدار درآمدی که برای تأمین حداقل نیازهای افراد مانند غذا، پوشاش و ... لازم است. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی می‌گویند (ابو نوری، ۱۳۸۷).

۳-۲-۳. فقر مطلق و نسبی

بوت و راونتری دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اوایل قرن نوزدهم سعی کردند که تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. به عقیده آنها فقر مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش شکل گرفته است و منظور، حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است (خداداد کاشی، ۱۳۸۴).

به این ترتیب فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت. بنابراین تعریف، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است بدانیم مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاهای خدمات مشکل فقر آنها برطرف خواهد شد. این نوع ایده از فقر مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت (۱۸۸۹) و راونتری (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است. در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است که در آن داوری‌ها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به

عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است، فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست، بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود (خداداد کاشی، ۱۳۸۴).

۲-۴. قابلیت‌ها در مقابل درآمدها

مفهوم قابلیت اولین بار توسط آمارتیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ مطرح شد. از نظر آمارتیاسن فقر به مثابه محرومیت از قابلیت‌ها است (خداداد کاشی، ۱۳۸۴). مقاله سن تحت عنوان «کالاهای قابلیت‌ها» نقطه آغازین مباحث مربوط به این رویکرد محسوب می‌شود. از نظر سن ارزش کالاهای به نقش و کارکردی است که در رفع نیازهای انسان دارند. بنابراین باید توجه خود را از نگاه درآمدی که عملاً متنج از نظریه مطلوبیت است به نگاه مبتنی بر قابلیت‌ها معطوف کنیم. قابلیت به معنی آنچه مردم واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند، تعبیر می‌شود. بنابراین چه بودن یا چه کردن انسان‌ها اهمیت محوری ندارد، آنچه مهم است توانایی بالقوه افراد برای انتخابی متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند، می‌باشد. به عبارتی، وضعیت اقتصادی یا اجتماعی که در آن قرار دارند، محصول یک انتخاب باشد، نه اجراء. به این معنا، انتخاب زمانی وجود دارد که وضعیت‌های مختلفی برای انتخاب کردن وجود داشته باشد. این وضعیت‌های مختلف بستگی مستقیم به ویژگی‌های فردی و شرایط محیطی دارد. با این تعبیر تفاوت ماهوی بین فردی که مثلاً دچار مشکلات فیزیکی یا معلولیت جسمی است با فردی که دارای بدن سالم است، وجود دارد. سطح مطلوبیت این افراد با توجه به رویکردهای درآمدمحور قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. فرد معلول با درآمد مساوی با فرد سالم، ممکن

است در وضعیت نامناسب تری به سر برد، زیرا او از یک محرومیت قابلیتی (ونه درآمدی) نیز رنج می‌برد. سن بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها برای انسان تأکید کرد. بذعنم وی کالاها از آن رو اهمیت دارند که نیاز انسان را رفع می‌کنند و ارزش یک کالا در رفع نیاز انسان بستگی زیادی به شرایط فردی و قابلیت‌های او دارد. به این تعبیر کتاب برای فرد بی‌سواد و دوچرخه برای کسی که دوچرخه‌سواری بلد نیست، مطلوبیتی به همراه ندارد. بنابراین نیازهای افراد مختلف بسته به خصوصیات فردی می‌تواند بسیار متفاوت باشد (محمودی، ۱۳۸۴).

۳-۲-۵. شاخص‌های فقر

برای درک بهتر اندازه فقر به برخی شاخص‌های فقر اشاره‌ای خواهیم داشت.

-شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر)

این شاخص به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف شده است.

$$H = q/n \quad (1)$$

تعداد افراد فقیر = q

تعداد کل افراد جامعه = n

این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیرخط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ فقیری در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر باشند یعنی درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. اشکال عمدۀ این شاخص این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیرفقیر جامعه مشروط بر آن که موجب جابجایی افراد حول خط فقر نشود، هیچ گونه تأثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد. درواقع اشکال این شاخص آن است که نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتی بین فقیرها و غیرفقیرها حساس نیست. علاوه بر این؛ این

شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نیست. اشکالات فوق، کاربرد این شاخص را محدود نماید (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

-شاخص شکاف فقر

این شاخص بر فاصله کل فقرا نسبت به خط فقر، که نشان‌دهنده عمق فقر است، مبتنی می‌باشد. به عبارتی، این شاخص میانگین شکاف فقر در جامعه است که در آن شکاف فقر برای غیرفقیر صفر محسوب می‌گردد. شاخص شکاف فقر، مقدار درآمد لازم برای انتقال فقرا به بالای خط فقر است (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

$$P_{gap} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q (z - x_i) / z \quad (2)$$

تعداد افراد جامعه = n

تعداد افراد فقیر = q

خط فقر = z

درآمد؛ امین فرد فقیر است = x_i

-شاخص فاستر، گریر و توربک

یکی از شاخص‌های فقر که در سال‌های اخیر کاربرد زیادی پیدا کرده، توسط فاستر، گریر و توربک پیشنهاد شده است. این سه محقق روش خود را برای ارائه شاخص فقر بر این باور می‌گذارند که تجزیه‌پذیری، از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب است. این گروه از شاخص‌ها که با علامت (FGT) نمایش داده می‌شوند، بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. فاستر و همکاران وی شاخص فقر خود را به صورت زیر ارائه می‌دهند:

$$FGT_\alpha = P_\alpha = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q (z - x_i)^\alpha / z^\alpha \quad (3)$$

اگر $\alpha = 0$ باشد، این شاخص به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر برابر با ۲ باشد، یعنی این شاخص حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌گردد (خداداد کاشی، ۱۳۷۹).

۴. توزیع درآمد

توصیف درجه نابرابر موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را «توزیع درآمد» می‌گویند. امروزه اهمیت نقش دولت در مسأله توزیع درآمد به حدی است که تقریباً تمام اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمدۀ دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های رشد اجتماعی و وضعیت رفاه در یک جامعه، تعادل و توازن توزیع درآمد یا ثروت در آن جامعه است. بنابراین، بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه‌های مختلف جمعیت، در درآمد ملی است. توزیع درآمد بر دو نوع است: توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (شامل زمین، نیروی کار و سرمایه) و توزیع درآمد بین گروه‌های مختلف درآمدی (مانند دهک‌های مختلف).

۵. روش ارزیابی تغییرات توزیع درآمد

یکی از متداول‌ترین شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد جامعه، ضریب جینی^۱ است. ضریب جینی عددی بین صفر و یک است که در آن صفر به معنی توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع است. در بین پژوهشگران روش‌های مختلفی برای محاسبه این شاخص وجود دارد. یک روش آن است که بعد از مرتب کردن صعودی درآمد سرانه خانوارها، داده‌ها، به گروه‌های مساوی تقسیم شده و سپس تعیین می‌شود که هریک از گروه‌های مورد نظر چند درصد از درآمد جامعه را به خود اختصاص داده است.

1 . Gini Coefficient

ضریب جینی به صورت پیوسته به شکل زیر معرفی می‌شود، که در آن x درآمد و یک متغیر تصادفی و $L(x)$ منحنی لورنزا^۱ است.

$$G = 1 - 2 \int_0^1 L(x) dx \quad (4)$$

به صورت گستته ضریب جینی به شکل زیر معرفی می‌شود:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^{k-1} (y_{i+1} - y_i)(x_{i+1} + x_i) \quad (5)$$

یا سهم تجمعی خانوار یا گروه i ام هزینه‌ای (درآمدی)، x_i سهم تجمعی هزینه خانوار یا گروه i ام هزینه‌ای (درآمدی)، k تعداد گروه‌های هزینه‌ای (درآمدی) است. از نقاط قوت ضریب جینی می‌توان به سادگی و قابل فهم بودن آن اشاره کرد. همچنین ضریب جینی اختلاف درآمد خانوارهای یک جامعه را نشان می‌دهد. بهیان دقیق‌تر، ضریب جینی اصول موضوعه استقلال، عدم حساسیت، تقارن، جمعیت، نسبیت، تجزیه‌پذیری را برآورده می‌سازد. از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اشکالات واردشده به ضریب جینی آن است که اصل انتقال نزولی در آن صدق نمی‌کند. بعبارت دیگر، اندازه این شاخص به درآمد افرادی که انتقال درآمدی بین آنان انجام می‌شود، بستگی ندارد. بدین معنی که حساسیت شاخص نسبت به انتقال درآمدی، همگام با افزایش درآمد افراد در گیر انتقال، افزایش یافته تا به حد اکثر خود در نقطه نمای الگوی توزیع می‌رسد و سپس با افزایش مجدد درآمدها، به تدریج از مقدار آن

1 . Lorenz Curve

کاسته می شود. میزان حساسیت نسبی ضریب جینی به انتقالات درآمدی بین افراد جامعه، بستگی به تعداد افرادی دارد که در رتبه‌بندی درآمدها، بین افراد در گیر انتقال قرار می‌گیرند. پس اگر مقدار معینی درآمد بین دو فرد پردرآمد و همین مبلغ بین دو فرد کم درآمد انتقال یابد، به شرط آنکه تعداد افراد رتبه‌بندی شده بین دو فرد پردرآمد و دو فرد کم درآمد یکسان باشد، میزان تغییر در ضریب جینی یک اندازه است. در حالی که با پذیرش اصل حساسیت نسبی، انتظار آن است که هر چه افراد در گیر انتقال کم درآمدتر باشند، تأثیر انتقال درآمدی بر اندازه شاخص نابرابری بیشتر شود و برعکس. همین ویژگی؛ یعنی دادن اهمیت یکسان به انتقالات درآمدی بین افراد با درآمدهای متفاوت، با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، موجب می‌شود که استفاده از ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری درآمد توزیع‌های مختلف و رتبه‌بندی آنها (هنگامی که منحنی لورنزا آنها هم‌دیگر را قطع می‌کنند) دچار اشکال و ابهام شود. به عبارت ساده‌تر، شاخص ضریب جینی به انتقال درآمد بین ثروتمندان، انتقال درآمد بین فقیران و انتقال درآمد از ثروتمندان به فقیران وزن یکسانی می‌دهد که همان‌طور که ذکر شد این موضوع انتقادی بر شاخص ضریب جینی است.

۶. هدفمندسازی یارانه‌های نقدی

یکی از جنجال‌برانگیزترین سیاست‌های اقتصادی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی و به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد پرداخت یارانه و تبعات آن بوده است. اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌ها^۱ که در دولت نهم مطرح شد، پس از یک وقه نسبتاً طولانی در دولت دهم مجدداً مطرح شد و پس از تصویب در مجلس هشتم در اواخر آذرماه سال ۱۳۸۹ به مورد اجرا گذاشته شد. هدفمند کردن یارانه در واقع عبارت است از: «تعریف و انتخاب خانوارها یا

1 . Targeting Subsidies

افراد هدف و توزیع منافع به خصوصی بین آنها از طریق مکانیسم خود هدفمندی، هدفمندسازی اداره شده و مشابه آن» (هافمن، ۱۹۹۴).

اصلاح یارانه‌ها، در بلندمدت؛ و با فرض آماده بودن زیرساخت‌های لازم، حذف یارانه‌ها ضروری است. اما با توجه به مدیریت اقتصادی فعلی اعمال سیاست مربوطه با دشوارهایی همراه بوده است. یارانه به‌طور کلی نوعی کمک مالی یا نوعی انتقال منابع اقتصادی دولت به خریداران و فروشنده‌گان کالا و خدمات است. پرداخت یارانه از جمله شناخته شده‌ترین راههای انتقال درآمد به گروه‌های کم درآمد جامعه است که دارای سابقه طولانی است. به‌طور کلی ابعاد یارانه‌ها را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود: اهداف دولت، مراحل کالا، طبقه‌بندی یارانه، طبقه‌بندی یارانه بر اساس انعکاس هزینه‌های آن.

- اهداف دولت: هدف‌های دولت بر اساس این پنج نوع یارانه از هم تفکیک می‌شود: یارانه اقتصادی، یارانه توسعه‌ای، یارانه اجتماعی، یارانه سیاسی، یارانه فرهنگی.

- مراحل کالا: بر اساس این که در چه مرحله‌ای برای کالا یا خدمات، یارانه پرداخت گردد، می‌توان انواع یارانه را این گونه تفکیک کرد:

یارانه مصرفی، یارانه تولیدی، یارانه توزیعی، یارانه خدماتی، یارانه صادراتی، یارانه کاهش واردات و صرفه‌جویی ارزی.

- نحوه طبقه‌بندی یارانه: بر این اساس، دو نوع یارانه از هم تفکیک می‌شوند: یارانه مستقیم، یارانه غیرمستقیم.

- طبقه‌بندی یارانه بر اساس انعکاس هزینه‌های آن: بر این اساس دو نوع یارانه پنهان و آشکار از هم تفکیک می‌شود. در مورد هر کالایی که دولت با پرداخت مبلغی از بودجه خود باعث شود، قیمت آن کالا کمتر از قیمت تمام‌شده خود در بازار عرضه گردد، یارانه آشکار پرداخت گردیده است. در حالی که یارانه پنهان به‌نوعی از یارانه اطلاق می‌گردد که به‌نحوی

موجب ایجاد هزینه یا محرومیت از کسب درآمد برای دولت است و در بودجه دولت و حساب‌های ملی کشور ثبت نمی‌شود؛ مانند یارانه تخصیصی به برخی از کالاهای خدمات اساسی که عرضه آنها زیر قیمت تمام شده توسط بنگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد (دادگر، ۱۳۸۶).

یارانه مالیات منفی نامیده می‌شود، اما به دلیل این‌که هزینه محسوب می‌شود، حساسیت بیشتری نسبت به مالیات دارد، برای این‌که افزایش یارانه‌ها در حال حاضر به معنای فشار مالیاتی بر شهروندان در آینده خواهد بود، زیرا در شرایط متعارف تأمین مالی یارانه از طریق مالیات صورت می‌پذیرد (دادگر، ۱۳۸۶).

۷. داده‌ها و روش تخمین

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش داده‌های خام طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) بر پایه اطلاعات شهری و روستایی جمع‌آوری شده است. برای پالایش داده‌های اولیه در نرم‌افزار access از نرم‌افزار stata استفاده شده است. بخش هزینه پرسشنامه بودجه خانوار شامل هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی می‌شود. در ایران اطلاعات مربوط به درآمد افراد دچار کم‌گویی شده است که این مسئله به صورت اختلاف معنی‌دار بین متوسط درآمد و هزینه خانوار منعکس می‌شود. به همین سبب، به دلیل کیفیت بهتر داده‌های هزینه نسبت به داده‌های درآمد و برای واقعی کردن تحلیل‌ها و روشن شدن مسیر تغییرات نابرابری و فقر از داده‌های هزینه به جای داده‌های درآمد استفاده شده است. برای تعیین خط فقر مطلق ابتدا سبد کالایی معرفی شده و تمام کالاهایی که در سبد مصرف کننده فقیر جایگاهی ندارند از اقلام شاخص حذف و صرفاً اقلام خوراکی نظیر برنج، گندم، ماکارونی، سیب‌زمینی، حبوبات، گوشت قرمز و سفید، تخم مرغ، شیر، ماست، پنیر، میوه‌جات، سبزی‌ها، روغن مایع و شکر در نظر گرفته شده است. مسئله مهم

این است که در مجموعه اطلاعات بودجه خانوار داده‌های هزینه در سطح خانوار گزارش می‌شوند. لذا باید هزینه خانوار بهنوعی به فرد نسبت داده شود.

برای تخمین هزینه سرانه معادل خانوار، می‌توان از شاخص‌های مقیاس معادل^۱ استفاده کرد. از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ روش‌های متدالی برای لحاظ کردن هزینه‌های معادل در مطالعات پیشنهاد شده است. در این پژوهش از روش ارائه شده در هاتون و خندکر (۲۰۰۹) استفاده شده است که در آن N_a تعداد بزرگ‌سالان و N_c تعداد بچه‌ها است.

$$AE = (N_a + .4N_c)^{.85} \quad (6)$$

جدول ۱. سبد غذایی برای تعیین خط فقر، ماهیانه یک فرد بزرگسال

مواد غذایی	مقدار سبد غذایی ماهیانه	کالری دریافتی روزانه
نان (شامل انواع نان سنتی)	۸ کیلو گرم	۷۲۰
برنج خارجی درجه دو	۳ کیلو گرم	۲۴۰
ماکارونی	۰/۷ کیلو گرم	۲۰
سیب زمینی	۰/۵ کیلو گرم	۴۰
عدس	۰/۶ کیلو گرم	۴۰
شیر کیسه‌ای پاستوریزه	۷ کیسه یک لیتری	۱۱۵
ماست	۳ کیلو گرم	۵۰
گوشت قرمز	۲/۱ کیلو گرم	۶۵

1. Equivalence Scale Indices

2. Organization for Economic Co-operation and Development(OECD)

ادامه جدول ۱.

نام	تعداد	نحوه تخمین
گوشت سفید	۱۰۰	
تخم مرغ	۳۰	۱۰۰
پنیر	۲۰	۰/۴۵ کیلو گرم
میوه (سیب، پرتقال، انگور)	۱۲۰	۶۰ واحد (معادل ۶/۳۶ کیلو گرم)
سبزی های برگ سبز	۵۰	۶۰ واحد (معادل ۶/۰۷۲ کیلو گرم)
دیگر سبزی ها	۵۰	۶۰ واحد (معادل ۶/۴۳۷ کیلو گرم)
روغن مایع	۲۹۰	۹۰۰ سی سی
شکر	۲۳۰	۱ کیلو گرم
جمع	۲۰۸۰	

مأخذ: دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، ۱۳۸۴.

۸. یافته های پژوهش

در این قسمت به منظور آگاهی از وضعیت فقر و نابرابری در مناطق شهری و روستایی ایران شاخص های فقر و ضریب جینی با استفاده از نرم افزار STATA محاسبه و نتایج تخمین در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۲. اندازه گیری فقر بر اساس شاخص سرشمار در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	مناطق شهری	مناطق روستایی
	۰/۴۰۲۲	۰/۳۷۸۴	۰/۴۱۵۵	۰/۴۰۵۴	۰/۳۶۹۰	۰/۳۳۹۷	۰/۴۲۹۸
	۰/۳۰۴۵	۰/۳۶۲۱	۰/۲۹۸۹	۰/۳۶۹۴	۰/۳۶۹۰	۰/۴۱۳۶	۰/۴۲۹۸

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به جدول ۲ طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) شاخص سرشمار فقر (نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه) در مناطق روستایی همواره بیشتر از مناطق شهری بوده است. بیشترین میزان افراد فقیر در مناطق شهری و روستایی مربوط به سال ۱۳۸۹ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ شاخص سرشمار فقر در مناطق شهری به ترتیب ۰/۰۳۷۸۴ و ۰/۰۴۰۲۲ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰۰۳۷۱ و ۰/۰۱۳۳ کاهش داشته است. همچنین شاخص سرشمار فقر در مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب ۰/۰۳۸۵۲ و ۰/۰۴۰۷۱ برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۸۹ به میزان ۰/۰۰۴۴۶ و ۰/۰۰۲۲۷ کاهش داشته است.

جدول ۳. اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱
مناطق شهری	۰/۱۱۹۱	۰/۱۰۹۹	۰/۱۳۳۶	۰/۱۳۱۲	۰/۱۱۴۶	۰/۱۰۸۲	۰/۱۱۵۷	۰/۰۸۵۷	۰/۰۸۸۴	۰/۱۰۱۴	۰/۱۱۹۱
مناطق روستایی	۰/۱۱۱۷	۰/۱۱۶۹	۰/۱۳۵۴	۰/۱۳۹۶	۰/۱۲۰۴	۰/۱۰۹۰	۰/۱۱۳۹	۰/۰۸۹۹	۰/۰۹۷۹	۰/۱۰۶۹	۰/۰۹۸۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۴. اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص مجدور شکاف فقر (FGT) در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۹۱-۱۳۸۱)

سال	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱
مناطق شهری	۰/۰۴۹۲	۰/۰۴۴۴	۰/۰۳۷۱	۰/۰۴۴۴	۰/۰۳۶۹	۰/۰۴۷۹	۰/۰۴۵۲	۰/۰۴۵۲	۰/۰۴۷۹	۰/۰۴۷۹	۰/۰۴۹۲
مناطق روستایی	۰/۰۴۴۱	۰/۰۵۳۷	۰/۰۴۷۸	۰/۰۴۷۸	۰/۰۴۲۹	۰/۰۴۲۹	۰/۰۴۹۹	۰/۰۴۹۹	۰/۰۴۷۹	۰/۰۴۷۹	۰/۰۴۴۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲ در طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) فقر در مناطق روستایی همواره بیشتر از مناطق شهری بوده است. طبق شاخص سرشمار فقر در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۱ درصد مردم ایران در مناطق شهری و حدود ۴۲ درصد مردم در مناطق روستایی در

فقر به سر برده‌اند. طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۸۹ فقر در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش داشته است.

جدول ۵. اندازه‌گیری شاخص جینی در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۱-۱۳۹۱)

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مناطق شهری	۰/۳۲۵۴۳	۰/۳۷۵۹۹	۰/۳۸۸۲۵	۰/۳۷۵۱	۰/۳۷۷۴۵	۰/۳۸۷۷۴	۰/۳۹۳۶۵	۰/۳۸۷۷۹	۰/۳۷۰۹۰	۰/۳۶۸۸۱	۰/۳۲۳۱۵
روستایی	۰/۳۵۰۵۸	۰/۳۹۴۳۹	۰/۳۸۳۸۱	۰/۳۹۹۶۴	۰/۳۹۷۳۷	۰/۴۰۸۶۴	۰/۳۹۶۳۲	۰/۴۰۰۸۸	۰/۳۹۰۷۹	۰/۳۵۱۲۹	۰/۳۵۰۷۹

مأخذ: نتایج تحقیق.

با توجه به جدول ۵ طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۹۱) نابرابری درآمدی در مناطق شهری از نوساناتی برخوردار بوده است. بالاترین و پایین‌ترین میزان نابرابری به ترتیب به سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. در سال ۱۳۸۹ شاخص جینی ۰/۳۶۸۸۱ است که نسبت به سال‌های ماقبل خود کاهش داشته است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) میزان نابرابری درآمدی در مناطق شهری ایران اندکی کاهش یافته است. در مناطق روستایی بالاترین میزان نابرابری در سال ۱۳۸۵ بوده است. کمترین میزان نابرابری به سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اختصاص دارد. در سال ۱۳۸۹ شاخص جینی برابر با ۰/۳۹۰۷۹ است که نسبت به سال‌های ماقبل خود کاهش داشته است. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) میزان نابرابری درآمدی در مناطق روستایی ایران اندکی کاهش یافته است.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

فقر و نابرابری‌های اقتصادی از جمله مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات زندگی

انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گستردگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده، بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. البته فقر تنها محدود به کشورهای جهان سوم نیست، بلکه تمام کشورهای جهان بهنوعی با آن درگیر هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه افزایش تولید در این کشورهای است. تغییرات ساختاری (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) و نیز امکانات زیربنایی و روبنایی در کشورهای مختلف نیز در کاهش فقر مطلق (حداقل درآمد و خط فقر) نقش غیرقابل انکاری داشته است. نحوه توزیع درآمد عادلانه در جامعه نیز می‌تواند فقیران جامعه را در به‌دست آوردن حداقل نیازها یاری کند تا از فقر مطلق رهایی یابند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقر همچنان یکی از بزرگ‌ترین معضلات ایران است. نتایج حاصله دلالت بر آن دارد که طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۱) فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. بیشترین میزان افراد فقیر در مناطق شهری و روستایی مربوط به سال ۱۳۸۹ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۴ است. در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۱ درصد مردم ایران در مناطق شهری و حدود ۴۲ درصد مردم در مناطق روستایی در فقر به‌سر برده‌اند. طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۱) نسبت به سال ۱۳۸۹ فقر در هر دو منطقه شهری و روستایی اندکی کاهش یافته است. در مورد نابرابری درآمدی نتایج حاصل از محاسبات نشان می‌دهد، طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۸۸) میزان نابرابری درآمدی در ایران بالا و با نوساناتی همراه بوده است. بیشترین میزان نابرابری به سال ۱۳۸۵ مربوط می‌شود و در سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) (پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی) نابرابری درآمدی در ایران اندکی کاهش یافته است. در پژوهش حاضر، سعی شد شاخص‌های فقر و نابرابری طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۹۱) مورد ارزیابی قرار گیرند و با سال ۱۳۸۹ (سال اجرای قانون هدفمندی) مقایسه شوند. قطعاً با بررسی دو سال (۱۳۹۰ و ۱۳۹۱) نمی‌توان در مورد عملکرد قانون هدفمندی نظر داد.

به طور کلی اگر هدفمندی یارانه‌ها به معنی واقعی خود صورت گیرد، یعنی بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی یا به اصطلاح قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در پرداخت یارانه‌ها توجه شود، می‌توان به آینده اجرای این قانون امیدوار بود.

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش پیشنهادات ذیل ارائه می‌شوند:

- راه رهایی از «تله نابرابری» و فقرزدایی از اقتصاد ایران را باید در کار، تلاش و تولید جستجو کرد. بهترین شیوه برای رهایی فقرا از فقر ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنهاست. بهتر است دولت از منابع آزادشده از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی برای سرمایه‌گذاری و اشتغال برای گروه هدف به صورت مشارکتی استفاده کند، تا هم برای آنان ایجاد کار و درآمد شود و هم آنان اطمینان یابند جز در سایه مشارکت در تولید نمی‌توانند به زندگی و معیشت خود بهبود بخشدند. سیاست‌های توزیع درآمد، اگر به گونه‌ای باشند که به جای آنکه انگیزه کار و تلاش و تولید را در فقرا دامن زند موجب بیانگیزگی بیشتر آنان برای کار کردن شود، قطعاً در درازمدت بر نهادینه شدن فقر و عمق آن در اقتصاد کشور می‌افزاید و بیش از پیش اقتصاد ایران را در «تله نابرابری» گرفتار می‌کند.

- بدون شک قانون هدفمندسازی یارانه‌ها یکی از قوانین ارزشمند اقتصادی در جامعه بعد از انقلاب می‌باشد که در صورت اجرای درست و اصولی آن می‌تواند تحولات بزرگی را در بلندمدت و حتی میان‌مدت برای جامعه به ارمغان آورد؛ اگرچه تبعات منفی کوتاه‌مدت آن دور از انتظار نیست. البته فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب دولت در این زمینه می‌تواند بستر را برای اجرای درست آن فراهم نماید. به طور کلی اگر هدفمندی یارانه‌ها به معنی واقعی خود صورت گیرد، یعنی بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی یا به اصطلاح قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در پرداخت یارانه‌ها توجه شود، می‌توان به آینده اجرای این قانون امیدوار بود.

- تأمین حداقل معیشت گروه‌های کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با تأکید بر بهره مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم‌درآمد، گسترش حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان با رعایت ملاحظات عدالت جنسیتی).

منابع

- ابو نوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، ”اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران“، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۷، بهمن و اسفند، صص ۹۵-۶۵.
- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، تهران: مرکز آمار ایران.
- ابونوری، اسماعیل و نادر مالکی (۱۳۸۷)، ”خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)“، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۲۸، دوره ۷، بهار، صص ۲۱۵-۲۳۷.
- ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲)، ”بورسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه“، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۱، بهار، صص ۶۴-۳۵.
- ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲)، ”بورسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم توسعه“، سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره یکم، بهار، صص ۶۴-۳۵.
- اسلامی، سیف الله (۱۳۷۹)، ”ازیابی یارانه و خط فقر“، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۷، شماره ۴.
- باباپور، میترا (۱۳۹۱)، فقر و نابرابری و تحریک درآمدی: موردی از رویکرد شبه پانل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۷)، ”ازیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران“، نامه مغاید، شماره ۱۴.
- پیرایی، خسرو و بهروز سیف (۱۳۸۹)، ”تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران“، پژوهش‌نامه مالیات، دوره جدید، شماره ۹، مسلسل ۵۷، پاییز و زمستان، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۷)، ”ازیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران“، نامه مغاید، شماره ۱۴.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ ۱۵.

خداداد کاشی، فرهاد، باقری، فریده، حیدری، خلیل و امید، خداداد کاشی (۱۳۸۱)، *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران*. کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر (۱۳۶۳-۱۳۷۹)، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.

خداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری (۱۳۸۴)، ”*تحویل توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی*“، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۷، شماره ۲۲۱۱۸.

دادگر، یادالله و روح‌الله نظری (۱۳۹۰)، ”*تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصاد ایران*“، *رفاه اجتماعی*، پاییز ۱۳۹۰، دوره ۱۱، شماره ۴۲.

دادگر، یادالله (۱۳۸۶)، *مالیه عمومی و اقتصاد دولت*، تهران: انتشارات نور علم، دانشگاه تربیت مدرس.

راغفر، حسین و آزاده ابراهیمی (۱۳۸۷)، ”*نابرابری درآمدی در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵*“، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، نشریه رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۸۷، دوره ۷، شماره ۲۸.

راغفر، حسین (۱۳۸۴)، ”*فقر و ساختار قدرت در ایران*“، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۸۸-۲۴۹، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، *توسعه بهمنابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.

غروی نخجوانی، سید احمد (۱۳۸۴)، ”*فقر در خانوارهای ایرانی (با تکاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار ایران)*“، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۷، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

فطرس، محمدحسن و رضا معبدی (۱۳۸۷)، ”*بودرسی رابطه نابرابری درآمدی و نابرابری مخارج مصرفی در ایران*“، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۵۹.

خداداد کاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل و فریده باقری (۱۳۸۴)، ”*برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹*“، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۶۴.

کانبور، راوی و این اسکوایر (۱۳۸۲)، *تطور تفکر درباره فقر: کشف کنش‌های متقابل*، در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز، ویراستار جرالد میر و جوزف استیگلیتز، مترجم غلامرضا آزاد (ارمنکی)، تهران: نشر نی.

کلانتری، عباس و عباس رحیمی (۱۳۸۵)، *بورسی اقتصادی یارانه*، (چاپ ۳) مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)، *ماهیت فقر عمومی*، (چاپ ۳)، ترجمه دکتر سید محمدحسین عادلی، انتشارات اطلاعات، تهران.

محمودی، وحید و سیدقاسم صمیمی فر (۱۳۸۴)، *”فقر قابلیتی“ رفاه اجتماعی*، شماره ۴، دوره ۱۷، صص ۳۲-۹.

محمودی، وحید (۱۳۸۶)، *اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران*، تهران: انتشارات سمت.
مرکز آمار ایران، *داده‌های خام طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی*، سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۱.
نجفی زاده، سیدعباس. حسینی، سیده مریم (۱۳۸۸)، *”توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران ۱۳۶۳-۱۳۸۶“*، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۴۷.

Arif, G. & Sh. Farooq (2012), “Welfare Impact of the Health Intervention in Pakistan: The Case of Lady Health Workers Programme”, *Poverty and Social Dynamics Paper Series*. Pakistan: Institute of Development Economics.

Booth, Ch. & B. S. Rownetree (1901), *Poverty: A Study of Town Life*, London: Macmillan.

Booth, Ch. (1889), “Life and Labour of the People in London”, Vol. 1, pp.33-62.

Bourguignon, F. & G.S. Fields (1995). “Discontinuous Losses from Poverty, General Measures, and Optimal Transfer to the Poor”, *Journal of Public Economics*, Vol. 63, No. 2, PP.155-175.

Canto, O. & C. Gradiñ (2002), *Inequality, Poverty and Mobility: choosing Income or Consumption as Welfare, Indicators*, Universidad dade de Vigo.

Cowell, Frank (1998), *Measurement of Inequality*, London: School of Economics.

Deaton, A. (1997), *The Analysis of Household Surveys, A Microeconometric Approach to Development Policy* World Bank, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

Fishliw A. (1995), “Inequality, poverty, and Growth: Where Do we stand?”, *Annual World Bank Conference on Development Economics*, PP. 25-39.

Foster, J.; E. Greer, J. & E. Thorbeck (1984), “A Class of Decomposable Poverty Measure”, *Econometrica*, Vol.52, PP. 761-766.

Gardes, F. & C. Canelas (2010), “Poverty, Inequality, and Income Mobility: The Case of Ecuador. A Pseudo-Panel Approach”, *Master Models and Methods for Quantitative Economics*. Paris: School of Economics.

Glassman, Amanda & Nancy Birdsall (2013), “Can India Defeat Poverty”, *Foreign Policy*, January 8.

- Greer, J. & E. Thorbecke (1986), "A Methodology for Measuring Food Poverty Applied to Kenya", *Journal of Development Economics*, Vol. 24, PP. 59-74.
- Haughton, J. & Sh. Khandker (2009), *Handbook on Poverty and Inequality*. Washington DC: World Bank.
- Hoffman, E.; McCabe, K.; Shachat, K. & V. Smith (1994) "Preferences, Property Rights, and Anonymity in Bargaining Games", *Games and Economic Behavior*. Vol.7, PP. 346-380.
- Kuznets, S. (1955), "Economic Growth and Income Inequality", *The American Economic Review*. Vol. 45, No. 1, PP. 1-28.
- Mahmuodi, Vahid (2011), "Poverty Changes During the Three Recent Development Plans in Iran (1995 - 2007)", *African and Asian Studies*, Vol. 2, No. 3, PP. 157-179.
- Pajooyan, J. (1994), "Establishing the Poverty Line", *Iranian Economic Review*, No. 1.
- Piketty, Th. & E. Saez (2003), *Income Inequality in the United States (1913-1998)*, Issue 1.
- Pollak, R.A. & T.J. Wales (1969), "Estimation of Linear Expenditure System", *Econometrica*, Vol. 37, No. 4.
- Ravallion, M & Sh. Chen (2007), "Absolute Poverty Measures for the Developing World (1981-2004)", *World Bank Policy Research Working Paper 4211*.
- Ravallion, M. (1996), "Issues in Measuring and Modelling Poverty", *The Economic Journal*, Vol. 106, PP. 1328-1343.
- Rowntree, B. S. (1941), *Poverty and the Welfare State*. London: Longman.
- Salehi-Isfahani, J. (2012), "The impact of Iran's subsidy reform on households: Evidence from survey data", *Virginia Tech, The Brookings Institution, and the Economic Research Forum*.
- Salehi-Isfahani, J & M. Majbouri (2010), "Mobility and the Dynamics of Poverty in Iran: Evidence from the (1992-1995)", *The Quarterly Review of Economics and Finance*.
- Sen, A. (1976), "Poverty: An Ordinal Approach to Measurement", *Econometrica*, Vol. 44, No.2, March.
- Sen, A. (1981), "Ingredients of Famine Analysis: Availability and Entitlements", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 96, No. 3.
- Townsend, P. (1979), *Poverty in the United Kingdom*, London: Allen Lane and Penguin Books.
- Townsend, P. (1979), "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty, A Rejoinder to Professor Amartya Sen", *Oxford Economic Papers*.
- Townsend, P. (1981), "An Alternative Concept of Poverty, Division for the Study of Development", Paris:United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Townsend, P. (1970), *The Concept of Poverty*, London: Heinemann.
- Ximing, Wu.; Perloff & Jeffrey M. (2005), "China's Income Distribution (1985-2001)", *Institute for Research on Labor and Employment*, Working Paper Series qt0zd6m0sf, Institute of Industrial Relations, UC Berkeley
http://www.foreignpolicy.com/articles/2013/01/08/can_india_defeat_poverty.
- Judge, G. W. Griffiths, R. Hill, H. Lukkepohl, & T. Lee, (1985), *The Theory and Practice of Econometrics*, Second Edition, New York: John Wiley and Sons, Inc.